

تحلیل جامعه‌شناختی مقاومت مردمی علیه نقض استقلال اقتصادی ایران در مشروطه

سمیه سادات شفیعی^۱ * فاطمه سهیلی^۲

چکیده

مقاله پیش رو به کمک ویژگی‌های بیشتر احصا شده مقاومت در چارچوب علوم اجتماعی، نگاهی به کنش‌های مقاومت‌آمیز مردمی در بحبوحه تحولات سال‌های مشروطه دارد. این مقاله حاصل پژوهشی نظری تحلیلی و مستخرج از مطالعات اسنادی کتابخانه‌ای است که با توجه به ویژگی‌های مقاومت چون وقوع عینی، تضاد با وضع موجود، تلازم قدرت و مقاومت، اهمیت زمان، خلاقیت در کنش مقاومت‌آمیز درصدد است به این پرسش اساسی پاسخ دهد: علیه موارد نقض استقلال اقتصادی ایران در دوره ۱۳۲۹-۱۳۲۴ ه. ق چه کنش‌های مقاومت‌آمیزی شکل گرفته است؟ در نگاه کلی، با تشکیل شورای ملی و پیدایش فضای باز سیاسی، در پرتو حضور توده‌های مردم در پهنه سیاست و پا گرفتن نهادهای تازه‌ای چون پارلمان، کابینه، مطبوعات، احزاب، گروه‌ها و انجمن‌ها، شاهد کنش‌های مقاومت علیه نقض استقلال اقتصادی هستیم. این کنش‌ها مبتنی بر مؤلفه‌های هویت ملی و با محوریت موضوعاتی چون رد استقراض خارجی و تلاش برای ایجاد بانک ملی، رد اسکناس بانک شاهنشاهی، استفاده از کالاهای ایرانی و طرد کالاهای خارجی بروز و نمود یافتند.

واژگان کلیدی: مشروطه، مقاومت، استقلال اقتصادی، استقراض خارجی و کالاهای وطنی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره سیزدهم • زمستان ۹۳ • صص ۱۹۰-۱۶۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۷/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۰/۱

۱. عضو هیئت علمی و استادیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نویسنده مسئول (ss.shafiei@gmail.com).
۲. کارشناس ارشد و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران (yas.soheily@gmail.com).

مقدمه

تاریخ هر ملت شاهد بروز و نمود حرکت‌های ملی است که متعاقب تهاجم قدرت خارجی و یا تعدی قدرت داخلی شکل می‌گیرد و گاه پس از چندی در قالب تغییرات اجتماعی عمیق، زمینه‌ساز دیگر تحولات ساختاری می‌شود. ایران از جمله جوامعی است که در قرن حاضر بیشترین تحولات اجتماعی، سیاسی را از سر گذرانیده است. مطالعه جامعه‌شناختی و تحلیل علمی و روشمند هر یک از این تحولات می‌تواند ضمن ارائه شناخت، آموزه‌هایی برای اصحاب علم و اندیشه‌ورزان به دست داده و نیز به غنای علمی دانش علوم اجتماعی بومی بینجامد. بی‌شک تحقق این امر در گرو واکاوی ابعاد وقایع تاریخی، ریشه‌شناسی و روندپژوهی برحسب نظریات مطرح است. از این رو مقاله حاضر ضمن معرفی بخشی از وقایع تاریخی دوران مشروطیت (مجلس اول و دوم شورای ملی) که در محمل عدم پذیرش و اعتراض به وقوع پیوسته، می‌کوشد به کمک تعابیر و مفاهیم جامعه‌شناسی از جمله مفهوم مقاومت و عناصر اصلی آن در قاموس جامعه‌شناسی سیاسی، هر یک را مورد تحلیل قرار داده و بر این اساس مصادیق معتبری از مقاومت ارائه دهد. چنین التزامی به معنای کاربرد جدید و یا تعریف غریبی از مقاومت نیست، بلکه تلاش نویسندگان بر این است تا مقاومت از شکل سیال، فی‌البداهه و عامیانه متمایز شده، به‌عنوان مفهومی تخصصی و کاربردی دارای معیار سنجش، طرح و شالوده نظری مرتبط با آن بسط یابد. همچنین باید گفت: اتخاذ این رویه ضمن اعتباربخشی به تعامل عاملیت و ساختار در جامعه ایرانی، یافته‌های سودمندی نیز برای جامعه‌شناسان تاریخی دارد. فشارهای خارجی حاصل از رابطه ایران با غرب در الگوی نظام جهانی، و برهم‌کنش آن با تصمیمات و مواضع دربار ایران در بستر نابسامانی و فقر شدید اقتصادی و محرومیت اجتماعی داخلی را به نوعی اعمال قدرت در قالب نقض استقلال اقتصادی به رسمیت شناخته، مجموعه اقدامات مقاومت‌آمیز مردمی علیه آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

تحقق مشروطیت به‌عنوان تحولی ترقی‌خواهانه، حاصل تلاش‌ها و جانفشانی‌های

جنبشی مردمی است که در نهایت پس از افت و خیزهای بسیار در شکل‌گیری و قوام جامعه مدنی ایران سخت مؤثر افتاد. بی‌شک داستان مشروطیت و ماجراهای آن به روایت‌های مختلفی بیان شده است و مدت‌هاست که تألیف نوشتاری جدید، نه صرفاً به قصد بیان واقعه‌ای ناگفته، بلکه با هدف تحلیلی متفاوت با نگاهی تازه انجام می‌شود. خطوط اصلی تکرار شونده این متون به سلسله حوادثی اشاره دارد که ناشی از ستمکاری و خودکامگی‌های کارگزاران دولتی، مداخلات نیروهای خارجی، بی‌اعتنایی دربار به مطالبات مردم به‌ویژه گرانی ارزاق، تنگدستی و اوضاع بد معیشتی و در عین حال به کار بردن همه ابزارهای موجود برای حفظ قدرت مطلقه پادشاهی برای درهم شکستن خواسته‌های مشخص جمعی نیروهای جدید جامعه ایران بود.

غایت جنبش مشروطه‌خواهی، کسب حقوق ملت و ایجاد سازوکارهای حفظ آن، استقلال‌طلبی، تحدید حدود سلطنت و آزادی‌خواهی بود. بنابراین هرچند وضعیت بد اقتصادی و گرانی ارزاقی چون قند و نان موجب بسیج اجتماعی، سیاسی نیروها شد، اعتراض‌های جدی مردم تنها بهبود وضع اقتصادی را دنبال نمی‌کرد و فراتر از آن با کاربرد مفاهیم و مضامین طرح شده از سوی روشنفکران، روحانیون و نخبگان خواستار تغییر بنیادی اجتماعی سیاسی بود.

با درک این دقایق تاریخی، می‌توان تحلیلی از کنش‌های مقاومت‌آمیز جمعی علیه نقض استقلال اقتصادی را در بافت معنایی خود و در ادامه تحولات این دوره دیده و بر پایه کاربرد نظریه‌ها و آرای جامعه‌شناسان سیاسی ارائه داد. این مقاله تلاش دارد تا این پرسش اساسی را پاسخ دهد: بر اساس تعریف نظری مقاومت، چه نمونه‌هایی از آن در برابر نقض استقلال اقتصادی ایران در بخشی از دوران مشروطیت (۱۳۲۹-۱۳۲۴ هـ ق/ ۱۹۱۲-۱۹۰۶ م.) می‌توان برشمرد؟ این نمونه‌ها به‌عنوان پدیده اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارند؟ از چه نسبتی با اعمال قدرت برخوردارند؟ آیا این مقاومت‌ها به تغییر انجامیده است؟ همچنین هدف اصلی این مقاله، شناخت مصادیق تاریخی مقاومت در مقطع زمانی پنج ساله از ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹ قمری است. در اینجا مقاومت مفهومی تخصصی با مؤلفه‌های معتبر احصا شده از آرا و اندیشه‌های جامعه‌شناسی به شمار می‌رود.

این دوره کوتاه شاهد حوادث سرنوشت‌سازی چون صدور فرمان مشروطه از سوی مظفردالدین‌شاه، گشایش نخستین دوره مجلس شورای ملی، تاج‌گذاری محمدعلی‌شاه و

آغاز رویه دو گانه او در مخالفت و سرکوب خشونت بار و نیز رضا و تسلیم مصلحتی او در برابر مشروطه خواهان، شورش ها و اغتشاشات داخلی، انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس که سرآغاز تقسیم ایران و مداخله علنی دولتین نامبرده در امور داخلی کشور و ورود نیروهای عثمانی، روس و انگلیس به ایران، تعدی و کشتار و نیز پیدایش اولین شکوفه های جامعه مدنی چون انتشار روزنامه ها و نیز شکل گیری انجمن هاست. بنابراین برای جامعه شناسان علاقمند، سرشار از وقایع و صحنه های قابل تأملی فراتر از دوره بندی های صرف چون پیروزی مشروطه، به توپ بستن مجلس، فتح تهران، محاصره تبریز و از این قبیل است. ضمن آنکه این دوره نیز مانند هر دوره تاریخی دیگر، بخشی از حیات اجتماعی جامعه معاصر ایران شناخته شده و شناخت کنش ها، عاملیت ها و میدان های آن اهمیت دارد.

۱. روش شناسی

پژوهش حاضر به عنوان به کمک مطالعه اسنادی و کتابخانه ای به بررسی نظری، تحلیلی مجموعه وقایع مقاومت آمیز تاریخی دوره ۱۳۲۴-۱۳۲۹ هـ. ق/ ۱۹۰۶-۱۹۱۲ م. پرداخته است. این گونه ضمن استخراج مؤلفه های مطرح مقاومت از آثار و کتب جامعه شناسی، با مطالعه اسنادی کتب تاریخی، نشریات، خاطرات و زندگی نامه ها، سفرنامه ها، اسناد و مدارک آرشیوی، کنش های مقاومت آمیز در برابر نقض استقلال اقتصادی در مقطع زمانی مذکور احصا شده است.

۲. مقاومت و ابعاد آن در آرا و اندیشه های جامعه شناسی

تعاریف متعددی از مقاومت ارائه شده است. از جمله پرافیت آن را تلاش فعالانه برای مخالفت، جنگیدن و عدم پذیرش یا پذیرش رفتار متعدیانه و کنترل می داند (Profit, 1996: 25) تعریف کار، اقدام علی رغم مخالفت است (Carr, 1998:534) و مودیگیانی و روشات مقاومت را به سادگی مخالفت می دانند (Modigliani & Rochat, 1995:112). برای گریز از اغتشاشات مفهومی، ضمن نگاهی به ادبیات نظری باید تعریفی از مقاومت ارائه داد که کارایی لازم را برای تحلیل های آتی داشته باشد. در اینجا باید گفت: بررسی دلالت های موضوعی و ابعاد کاربردی و مؤلفه های مقاومت دستمایه پژوهش مستقل دیگری قرار گرفته و نتایج آن در قالب مقاله ای با عنوان «سیری در رویکردهای نظری متأخر به مقاومت» به انتشار رسیده است. در فرصت پیش رو نتایج این پژوهش با ذکر ویژگی های مقاومت ارائه

و در ادامه به ذکر مصادیق تاریخی آن می‌پردازیم. بر اساس مطالعات و بررسی آثار و آرای جامعه‌شناختی معاصر می‌توان گفت که مقاومت دارای چنین ویژگی‌هایی است: ۱. وقوع عینی، ۲. تضاد با وضع موجود، ۳. تلازم قدرت و مقاومت، ۴. اهمیت زمان و ۵. خلاقیت در کنش مقاومت‌آمیز. بر این اساس مقاومت؛ اقدام به عملی به موقع و در جهت بیان مخالفت با اعمال قدرت به امید رفع، تخفیف و یا تغییر وضعیت است. با توجه به محورهای اصلی مطرح شده، ضمن توصیف بستر تاریخی مذکور، ابتدا به معرفی کنش‌های مقاومت‌آمیز پرداخته و سپس در چارچوب نظری احصا شده، این کنش‌ها را تحلیل خواهیم کرد.

سال‌های (۱۳۲۹-۱۳۲۴ هـ ق/ ۱۹۱۲-۱۹۰۶ م.) مقارن است با تشکیل مجلس اول شورای ملی. در حقیقت این نهاد که حتی بنیان و حامیان آن در ایران به درستی از کارکرد آن مطلع نبودند، وارد معادلات قدرت در کشور شده بود و اینک به‌عنوان نماینده مردم در مقابل امری که حقوق ملت را تضعیف و نادیده می‌انگاشت، واکنش نشان می‌داد. در این میان تقابلاتی پنهان و آشکار از سوی سلطنت‌طلبان داخلی و نیز دشمنان خارجی علیه استقلال ایران در وجوه سیاسی، اقتصادی، قوای نظامی و تا اندازه‌ای فرهنگی صورت می‌پذیرفت که مقاومت ایرانیان را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. بر این اساس واکنش‌های مردمی در مخالفت با نقض استقلال اقتصادی در چهار مقوله قابل بررسی است:

۱-۲. رد استقراض خارجی و تلاش برای ایجاد بانک ملی

به‌طور کلی بحران‌های مالی از مهم‌ترین مشکلات زمامداری این دوره محسوب می‌شود. روابط نامتوازن تجارت خارجی ناشی از توافقاتنامه‌های تعرفه‌ای، زوال تولیدات صنعتی بومی، افزایش مالیات، کاهش بهای جهانی نقره و در نتیجه کاهش ارزش پول، کسری پرداخت‌ها و تورم را به دنبال داشت. وخامت اوضاع اقتصادی موجب شد، به دفعات موضوع استقراض خارجی به‌عنوان راه حل مقطعی به شرط تصویب مجلس مطرح شود. با آنکه نیاز مبرم به پول در دولت وجود داشت، اما مسئله استقراض از خارج، به یک نوع مبارزه قدرت میان مجلس و دولت هوادار دربار در تهران و به سخن دیگر یکی از مشخصه‌های اصلی سیاست این برهه از تاریخ ایران بود (بنکداریان، ۱۳۹۲: ۱۳۲) از جمله مخبرالسلطنه هدایت در رمضان ۱۳۲۴ نامه‌ای از مشیرالدوله - صدراعظم وقت - به مجلس

برد که خواستار حمایت نمایندگان از تقاضای قرض از روسیه و انگلیس بود.^۱ اولین مخالفت از سوی مجلس به‌عنوان تبلور اراده ملی و نماینده مردم ابراز شد. نزدیک ۶۰ تن از نمایندگان ضمن رد آن، از طرح یک وام داخلی، به مثابه پیشنهادی جایگزین، حمایت کرده و یک هفته بعد این طرح به اتفاق آرا به تصویب رسید. پس از آن نیز نمایندگان ضمن ایراد نطق‌هایی در مذمت استقراض خارجی، موضوع تأسیس بانک ملی به‌عنوان پیشنهادی در خور توجه مطرح کردند که با حمایت چشمگیر تجار در مجلس و خارج از آن همراه شد.^۲

با انعکاس مواضع این نمایندگان در حوزه عمومی از طرق ارتباطات سنتی چون اجتماعات و نیز روزنامه‌ها به‌عنوان ابزار ارتباطی نوین، کنش‌های مردمی شکل گرفت که به رویه‌های مقاومت دامن زد. ملکزاده می‌نویسد: «مردم برای پیشرفت بانک احساساتی از خود نشان دادند که در ایران سابقه نداشت... زن‌ها زینت‌آلات خود را فروخته و سهام بانک خریدند و طلاب مدارس کتاب‌های خود را فروختند و به بانک کمک کردند. روزی در پای منبر سید جمال‌الدین، واعظ زنی برخاست و گفت دولت ایران چرا می‌خواهد از دولت‌های خارجی پول قرض کند مگر ما مرده‌ایم، من یک زن رختشوی هستم و به سهم خود یک تومان می‌دهم و روحانیون هم در این کار مساعدت کردند و حاجی شیخ فضل‌الله دویست تومان سهام بانک را خریداری کرد و امام جمعه تهران هم که در میان مردم ننگین و سرشکسته شده بود او را مخالف مشروطه می‌دانستند برای جلب نظر مشروطه‌خواهان تعهد کرد که از سهام بانک خریداری کند ولی به عهد خود وفا ننمود» (ملکزاده، ۱۳۲۹: ۲۰۴). روزنامه‌ها به‌عنوان ابزار اطلاع‌رسانی، ضمن بازتاب کنش‌ها، رویکردها و نگرش‌ها، مجموعه اقدامات عاملیت‌محور آنان را تا اندازه‌ای گزارش دادند. از جمله انتشار نامه زنی قزوینی به سعدالدوله که جواهرات خود را برای تأسیس بانک ملی فرستاده بود و یا مقالات روزنامه انجمن تبریز (جریده ملی) که حتی حجج‌الاسلام را به این امر فرا می‌خواند که در منابر، مردم را به کمک برای بانک ملی فراخوانند و آنها را به

۱. این قرض به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان به اشتراک به دولت علیه ایران از قرار صد هفت بود. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کسروی (۱۳۸۳) و نیز مذاکرات مجلس شورای ملی، شنبه ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۴.
 ۲. به‌طور مثال معین‌التجار بوشهری در مجلس نطق‌گرایی در مضرات استقراض از دولتی و محاسن بانک ملی تقریر نمود (روزنامه حیل‌المتین کلکته، ۱۳۲۴، ش ۲۳: ۱۰). آوری مخالفت معین‌التجار با استقراض را نشانگر قدرت نمایندگان طبقه بازرگانان در مجلس به شمار آورده، که موجب هراس روس‌ها و درباریانی شد که از زدوبند با دول خارجی نفع می‌بردند (آوری، ۱۳۷۹: ۲۵۱).

فروختن زیور آلات و طلا و نقره، سرقلیانها و... را تبدیل به سکه کرده، تا با جمع شدن این مقدار از استقراض خانه‌برانداز از خارجه رهایی یابیم (روزنامه انجمن تبریز، ۱۳۲۴، ش ۱۸: ۲) انجمن تبریز هم برای ایجاد بانک ملی به اندازه مردم تهران تعهد مالی قبول کرد. (کاتم، ۱۳۷۱: ۱۴۳) روزنامه صوراسرافیل در توصیف احساسات ملی در باب بانک ملی و ضرورت ایجاد آن بیان داشت: «عدم سرمایه مانع پیشرفت هرگونه مقاصد اصلاحیه است، در مقابل این سد و مانع بزرگ، عقل یک مملکت به صدای بلند لزوم بانک ملی را به هر زودی که ممکن است فریاد کرد، علمای عظام، وکلای شوری، امرای درباری، انجمن‌های محلی و هر ایرانی باشعور همه در سر این یک نقطه متفق شدند و دیپلمات‌های دنیا در روزنامه‌های با نفوذ خارجه نیز بر حسن این رأی ابتدایی عامه اولاد ایران تمجید گفتند» (روزنامه صوراسرافیل، ۱۳۲۵، ش ۱۷: ۲). در شماره‌ای دیگر در این نشریه آمده است: «چنانکه سابقاً گفته شد وجود بانک [بانک] ملی امروز در اولین درجه لزوم و توسعه فواید فلاحی آخرین ضامن حیات ایران و مالکیت بدون هیچ شبهه اصل اصیل پیشرفت عمل فلاحی می‌باشد، در این صورت اگر ما در پیروی آن طریقه حقه که حاوی همه این مقاصد حسنه باشد هر قدر زودتر ساعی باشیم به همان اندازه تولید بانک [بانک] را آسان‌تر و اسباب اصلاح امور فلاحی را سریع‌تر و آسایش رعیت را کامل‌تر و ایران را به سرعتی هرچه تمام‌تر غنی و انبار ثروت‌های بزرگ کرده‌ایم (همان، ۱۳۲۵، ش ۱۹: ۲).

برخی علما به روشنی حمایت خود را از این حرکت ملی نشان داده و در حرکتی تاکتیکی آن را واجب کفایی اعلام نمودند (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۶، ش ۱۰: ۱۴).^۱ جالب آن‌که تلاش برای تأسیس بانک ملی و نیز مخالفت با استقراض خارجی، امری به واقع ملی و فارغ از قومیت و مذهب به شمار می‌رفت که تنها مسلمانان فارسی‌زبان بدان همت نداشتند. گزارش‌های مختلفی از علاقمندی و حمایت یهودیان و نیز زرتشتیان انتشار یافته است. چنانکه یک واعظ یهودی در موعظه خود برای بنی اسرائیلیان حمایت نکردن از بانک ملی را برابر با خروج از شریعت یهود دانسته و چنین وعظ کرد: «با نهایت اهتمام، کوشش و همراهی و مساعدت در بانک ملی نماید که ابداً تسامحی در شما دیده نشود و اگر کسی به جان و مال از این اساس مقدس مضایقه و دریغ نماید محققاً مردود شریعت یهود خواهد بود» (روزنامه مجلس، ۱۳۲۴، ش ۲۶: ۴).

۱. همین استفتا مجدداً در شماره ۲۶، سال ۱۶، صفحه ۲۱ در تاریخ ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۲۶ به چاپ رسیده است.

با این همه باید گفت که طرح تأسیس بانک ملی در آن مقطع زمانی به سرانجام نرسید. به تصریح شمیم نقش بانک دول مربوطه در این امر بی تأثیر نبود: «جدا از عدم تمایل طبقات بالای جامعه و دربار، کارشکنی های بانک شاهنشاهی (انگلیس) و استقراضی (روسیه) نیز بی تأثیر نبود» (شمیم، ۱۳۸۷: ۴۵۳؛ مروارید، ۱۳۷۷: ۱۰۷). در نهایت بانک ملی در سال ۱۳۰۷ شمسی در زمان زمامداری رضاشاه پهلوی تأسیس شد.

موضوع مخالفت با استقراض خارجی نیز تنها محدود به زمان مذکور نبود، بلکه در مقطع زمانی مورد پژوهش ما بارها و به فراخور ضعف اقتصادی از سوی دربار پیشنهاد و نیز توسط نمایندگان سلطنت طلب حمایت و هربار موجی از مخالفت را به دنبال داشت. در سال ۱۳۲۷ و پس از فتح تهران، موضوع استقراض از روس و انگلیس بار دیگر مطرح^۱ و با مخالفت مجلس روبه رو شد. این بار نیز تعدادی از بازرگانان [به عنوان نمایندگان طبقه بورژوازی رو به رشد ایران] در حرکتی جمعی واکنش نشان داده و ضمن ابراز مخالفت پیشنهاد کردند همه سرمایه خود را برای کشور بدهند (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸: ۴۲). کاشانی می نویسد: «از اصفهان، شیراز، استرآباد، رشت، بیرجند، خراسان، کرمان و بعضی نقاط دیگر، به خصوص از آذربایجان که یک کرور تومان تقبل فوری کرده اند، و نیز از سایر بلاد تلگرافات مشروح سخت از تجار و غیره در باب عدم رضایت در باب استقراض از خارجه با این شروط مذمومه به مجلس شورای ملی مخابره شده که به کلی اظهار نارضایی عمومی کرده اند» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۴۷۹). در همدان نیز مردم جمع شدند و اعانه جمع آوری نمودند تا محتاج قرض از خارج نشوند (روزنامه مجلس، ۱۳۲۸، ش ۹۳: ۴). در بیرجند نیز پس از شنیدن خبر شرایط منحوس استقراض، عموم اهالی به هیجان آمده در مدرسه شوکت با حضور حکومت اجتماعات نموده مشغول جمع اعانه هستند تا کنون شش هزار تومان قبول شده در هر قسم همراهی و جانفشانی حاضرند (همان، ش ۹۴: ۳).

انجمن ایالتی گیلان نیز با لحنی قاطع و استرحام آمیز از مجلس شورا درخواست داشت دولت را از رفتن زیر بار این ننگ بازدارد. در سبزه میدان رشت میتینگ برای جمع آوری اعانه برپا شد. طلاب گیلانی مقیم عتبات نیز به هم شهری های خود تاسی کردند و به منظور کمک به صندوق دولت مجالسی تشکیل داده پرداخت هر یک فراخور حال و

۱. درخواست ایران پانصد هزار لیره (نزدیک به دو میلیون و پانصد هزار تومان) بود که پس از حدود دو ماه تنها با پرداخت چهارصد هزار لیره به ایران موافقت شد (کسروی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

مقام و وسع مالی خویش مبلغی پرداخت کردند که جمع مبالغ شده و به وسیله نمایندگان گیلان به مرکز ارسال شد. جالب این است که بالاترین مبلغ اعانه ۲۵۰ ریال و کمترین هم ۱۵ شاهی بود که اولی را حاجی شیخ اسدالله فرزند حاجی آقا رضا پرداخت و دومی را طلبه‌ای لشت‌نشایی به نام شیخ علی که در نجف تحصیل می‌کرد. بعضی کتاب و لوازم زندگیشان را فروخته به اعطای اعانه مفتخر می‌شدند، مثل سید حسین انزلیچی (امام جمعه بعدی) که کتاب شرایعش را به مبلغ ۱۰ ریال فروخت و همان مبلغ را اعانه داد و یا سید مهدی رشتی (بحرالعلوم) که کتاب طهارتش را ۱۰ ریال معامله و مبلغ را به کمیسیون اعانه داد. (فخرایی، ۱۳۵۲: ۱۸۸ و ۱۸۹).

کسروی واکنش مردم تبریز را چنین روایت می‌کند: «در تبریز ستارخان هنوز در آنجا بود و همراه نمایندگان انجمن ایالتی به تلگرافخانه در آمدند و نمایندگان آذربایجان را در تهران به تلگرافخانه خواسته به گفت و شنید پرداختند و آشکاره آگاهی دادند که توده آذربایجان به هیچ‌گونه وام‌خواهی از روس و انگلیس خرسندی ندارد، چه رسد به آن شرط‌های ننگین و ریشه‌برانداز و نوید دادند که هرگاه دولت از خود کشور وام خواهد آذربایجان اندازه بزرگی را بپردازد و چون شور و جوش همه دسته‌ها را فرا گرفته و مردم از درون دل به پشتیبانی دولت برخاسته بودند کمیسویی از پیشروان بازرگانان (شادروان حاج مهدی آقا کوزه‌کنانی و شادروان حاج شیخ علی اکبر اهرابی و حاج میرزا علی اکبر آقا صدقیانی و حاج علی آقا کمپانی و دیگران) پدید آوردند که هم از تبریز پول گرد آورند و هم به شهرهای دیگر تلگراف نموده آنها را نیز به کار برانگیزند» (کسروی، ۱۳۸۳: ۱۲۱).
تجار بوشهر نیز طی تلگرافی به آقای کوزه‌کنانی و سایر تجار تبریز اعلام نمودند که چهل هزار تومان از اعضای مجلس تجارت بوشهر جمع‌آوری شد و ممکن است پس از وصول قانون‌نامه استقراض معادل شصت هزار تومان دیگر هم از سایرین تهیه شود (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۸، ش ۳۹: ۱۷).

این بار نیز واکنش مردمی به مسلمانان محدود نماند و از جمله زرتشتیان مقیم انگلستان نیز اعلام نمودند که چون امروزه اگر ایران از خارجه قرض بکند استقلال‌اش در معرض فنا است، لذا ما زرتشتیان حاضریم از ۵ کروور تا ۴۰ کروور به دولت ایران قرض و اعانه بدهیم با اینکه مسلمان‌ها مال و جان ما را حلال دانسته باز به قرض و اعانه دادن حاضریم (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۸، ش ۴۳: ۱۹).

حال و هوای عمومی جامعه گویای تب و تاب اطلاع‌رسانی و جلب مشارکت همگانی در جهت مذمت استقراض خارجی و جمع‌آوری پول به منظور ایجاد سرمایه ملی است. به ویژه آنکه نرخ بالای بی‌سوادی، اطلاع‌رسانی شفاهی و رو در رو را ناگزیر می‌ساخت. پاکلوسکی کوزیل سفیر روسیه در تهران در گزارش خود از وقایع پایتخت نوشته است: «اجتماعات در مساجد و سایر جاهای عمومی تشکیل شد و در آن به فروش ایران به خارجیان اعتراض شد. برای مثال، در مسجد شیخ عبدالحسین، واعظ کم‌شهرت میرزا اسدالله تبریزی تلاش کرد تا زیان وام پیشنهادی روسیه و انگلیس را به شنوندگان ثابت کند. حسین خان کسمایی، سردبیر سابق شرق و رشکسته، حاضرین در سینما، فدائیان قفقازی و ارمنی را به لزوم فداکاری برای نجات میهن با موفقیت قانع کرد. برای اولین بار زنان در تهران که «مادر آزادی» یعنی زن پیرم، فرمانده پلیس، آنها را در سالن مدرسه شاه‌آباد در میتینگی برای اعتراض بر ضد وام جمع کرده بود شأن ستایش‌آمیزی از خود نشان دادند» (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸: ۴۷). اتحادیه نیز به نطق همسر ملک المتکلمین و نیز همسر پیرم‌خان به شخصه در مجالس زنانه برای جمع‌آوری اعانه اشاره می‌کند (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۳۷۵).

در عین حال روزنامه‌ها نیز به عنوان کانال‌های ارتباطی جامعه مدنی نوپا ضمن اطلاع‌رسانی از مفاد شروط اعطای وام، زوایای مختلف استقراض را روشن و نسبت به پیامدهای منفی آن هشدارهایی دادند. برای مثال روزنامه جبل‌المتین کلکته آورده هرکس اصرار به قبول استقراض از روس و انگلیس بنماید، عالم باشد تا وزیر، تاجر باشد یا وکیل، جاسوس و دست‌پرورده همسایگان است. ایرانیان باید بدانند که قبول کنترل خارج بر مالیه مملکت، ابطال مجلس ملی است. مقاله‌ای با نام فردی ابوالقاسم از مراغه منتشر می‌کند که در آن از انفعال علما گلایه کرده و در آن از علما می‌خواهد که بدون ملاحظه در دهات و قصبات یک‌به‌یک گردیده، در میدان‌ها و بازارها ایستاده به مردم بفهمانند که استقراض این مبلغ جزئی روس و انگلیس با آن شرایط مخالف استقلال حرام و ننگ و عار

۱. از جمله مفاد باید به لزوم استخدام معلمان نظامی با تصویب روس و انگلیس، تعهد حق تقدم قائل شدن ایران برای دو دولت روس و انگلیس جهت ساختن راه آهن ایران، اعطای امتیاز کشتی‌رانی در دریاچه اورمیه به شرکت راه جلفا-تبریز اشاره داشت (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۷، ش ۲۳: ۲۰۱).
 ۲. نگاه کنید به مقاله مرگ یا زندگی؛ ایران نو شماره ۱۴۰، مقاله استقراض از خارجه: خال ذلتی که به رخسار تاریخ روزنامه خیرالکلام رشت در شماره ۳۳ به تاریخ ۱۲ ربیع الثانی، ۱۳۲۸، استقراض ایران بر باد ده؛ روزنامه استقلال ایران سلخ شوال ۱۳۲۸)

است. (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۸، ش ۳۵: ۱۵). روزنامه ایران‌نو در شماره‌های متوالی به تشریح معایب استقراض از خارج و نیز راهکار برون‌رفت از بحران مالی پرداخت. این جریده، با بیان این امر که با تمام مشکلات «امروز هم محتاج استقراض از خارج برای اداره کردن امور جزئی خود نیستیم و هر کس غیر از این را بگوید یا مغرض است یا بی‌خبر یا تنبل و کارکنن و گرنه شخصی کارکن باخیر و بی‌غرض می‌داند که به یک قدم رو به اصلاح مالیه برداشتن و به یک اقدام در جبران کسور اعتبار اسناد دولتی نمودن... با این هیجان ملت که همه حاضر به قرض دادن به دولت جدید مرغوب محبوب خود هستند رفع دست‌تنگی دولت خواهد شد و نام این قبیل استقراض‌های جزئی بی‌شرمانه را به زبان نباید آورد چه رسد به مقام فعلیت» (روزنامه ایران‌نو، ۱۳۲۸، ش ۱۴۷: ۱).

مخالفت با استقراض خارجی در دوره استبداد صغیر و پس از به توپ بسته شدن مجلس نیز ادامه یافت و موج اعتراض به این امر یکی از محورهای مخالفت با سلطنت استبدادی محمدعلی شاه به شمار می‌رفت. به ویژه آنکه اقدامات او در مخالفت، جلب نیرو و بسیج علبه مشروطه‌خواهان هزینه‌های هنگفتی می‌طلبد. با روشن شدن نیت او و منش استبدادطلبانه‌اش در بمباردمان و تعطیلی مجلس و قلع و قمع بی‌رحمانه مشروطه‌خواهان^۱، به حکم مراجع عتبات شاه، تکفیر^۲ و حتی حکم آن در برخی شهرها به دیوار زده و به اطلاع عموم رسید. در گامی بعد به جهت دفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین، پرداخت مالیات حرام اعلام شد. این امر شرایط وخامت‌باری برای دربار به دنبال داشت. چه بسا پیش‌تر و قبل از صدور رسمی این حکم، مردم در بخش‌هایی از کشور از پرداخت مالیات سر باز زده بودند. دولت‌آبادی می‌نویسد: «چنان می‌نماید که به زودی رشته امور دربار از هم گسیخته شود خاصه که پول هم ندارند و کسی هم به آنها قرض

۱. لایحه‌ای که توسط روسای مذهب جعفری و وکلای ملت از نجف اشرف در رمضان ۱۳۲۶ توسط نماینده ی هلند مقیم بغداد به دادگاه حکمیت لاهه به‌طور رسمی فرستاده شده گویای حال و احوال آن ایام است: «مظفرالدین شاه با مشروطیت موافقت و حقوق ملت را برقرار نمود و قانون اساسی برقرار شد. محمدعلی شاه هم پذیرفت اما بعد شروع به نقض عهد کرد و مجلس را به توپ بست، مبعوثان ملت را مقتول و محبوس و تمام جرایم را ممنوع ساخت، مدیران جرایم را سربرید و شکم درید، محاکم را در بست، تلگرافات که عروق مملکت و عمده سبب اتحاد ملت بود از مخابرات ممنوع داشت، پستخانه‌ها را تعطیل، و خطوط را تفتیش کرد و راه‌ها را به تحریک ایلات مغشوش تجارت را که روح مملکت و سبب ثروت ملت است به کلی محو نمود و جمعیت‌ها را از اجتماع منع ساخت بر صغیر و کبیر رحم نکرده مستبدانه بر جان و مال آنها تاختن کرده.» (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۲۵، ص ۱۶، ص ۱۸. اذی حجه ۱۳۲۶)

۲. روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۵، ص ۱۶، ص ۳. ۱۹ رجب ۱۳۲۶

نمی‌دهد مالیات‌ها را نمی‌توانند وصول کنند و در تمام مملکت مردم از دادن مالیات امتناع دارند و این مسئله بیش‌تر از هر چیز موجب پریشان‌خاطری شاه شده است خصوصاً می‌شود رؤسای روحانی نجف عزم دارند اگر شاه نصایح ایشان را نشنود مالیات دادن به او را حرام نمایند که در این صورت تمام مالیات‌دهندگان، اطاعت این حکم شرعی را بر خود فرض خواهند شمرد و قهراً سلطنت محمد علی‌شاه منحل می‌گردد. بدیهی است این تأثیرات علنی نیست، چراکه به تدریج حاصل می‌گردد و صورت ظاهر را تا مدتی محفوظ نگاه می‌دارد» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۳۷۰). مسئله‌ای که اهمیت داشت این بود که به واسطه این احکام، عایدات دولتی محمدعلی شاه به صفر رسیده بود (مستوفی، ۱۳۸۳: ۲۹۷).

بر این اساس و به‌منظور بهبود اوضاع اقتصادی دربار و نیز تأمین هزینه‌های عمال شاه برای سرکوب ملیون تبریز، شاه قصد داشت در قبال یک وام ۴۰۰ هزار لیره‌ای، جواهرات دولتی را گرو بگذارد که با مخالفت گسترده به‌خصوص از سوی نهادهای مدنی مواجه شد. از جمله با انتشار خبر، «انجمن تبریز تلگرافی به پارلمان‌های اروپا فرستاد، مخالفت ملت ایران را با این قرضه اعلام داشت و علمای بزرگ نجف هم در همان هنگام، در «فتوایی» که به شهرها فرستادند، قرضه را مخالف مصلحت ایران و مباین با شرع انور خواندند» (نویسی، ۲۵۳۵: ۸۹). علما در بیانیه اعتراض خود عنوان کردند که معاملات استقراض و رهن با قانون اساسی و بندهای ۲۲، ۲۴ و ۲۵ موافق نبوده و جواهراتی که شاه در خزائن تهران دارد متعلق به ملت ایران است و هرگونه امتیازی که به واسطه آنها داده شود معتبر و صحیح نیست (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۷، ش ۳۵: ۱۱ و ۲۴). روزنامه انجمن تبریز با اشاره به اصول قانون اساسی هرگونه استقراضی را منوط به تصویب شورای ملی دانسته، ملت را عهده‌دار هر نوع استقراض در دوران تعطیلی و یا انفصال شورای ملی نمی‌داند (همان، ش ۴۳: ۸).

شریف کاشانی در توصیف مخالفت با استقراض آورده: «به فاصله چند روزی، از تمام بلاد به تمام سفارتخانه‌ها، و از حجج اسلام نجف اشرف به تمام دنیا، و از انجمن‌های ولایتی به قونسولات پرتست شد که اگر چنین فرصتی به دولت داده شود، ملت ذمه‌دار نخواهد بود و به موجب قانون اساسی، قرض جدید موقوف به امضای پارلمان است و تا مجلس شورای ملی منعقد نشود، امکان ندارد که بگذاریم و حاضر شویم که دولت چنین قرضی بکند و اگر کرد، دولتی اقدام به این امر نمود که بدانید ماها ذمه‌دار نخواهیم بود و

ملت از تأدیه آن بری می‌باشند» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۱۷). اهالی خراسان نیز مکتوبی در غره ربیع الاول ۱۳۲۷ با همین مضمون به تهران برای سفرای دول عثمانی، آلمان، انگلیس، روس، فرانسه، اتریش، هلند، آمریکا و ایتالیا فرستاده‌اند (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۷، ش ۴۰: ۱۶). سر جرج بارکلی در مراسله‌ای به سرادوارد گری گزارش داده است که مجتهد اعظم همدان گفته است: «علمای عمده کربلا به من تعلیمات داده‌اند که از تمام قنسول‌ها خواهش بنمایم به سفارت‌های خودشان اعلام بدارند که خبر پول قرض دادن دولتین به شاه به ما رسیده. شاه به هیچ وجه حق استقراضی ندارد و اختیار این مسئله محول به مجلس ملی است که قائم مقام کنونی آن انجمن ایالتی آذربایجان است و برای هر مبلغی که به شاه پرداخته بشود ملت به هیچ وجه مسئول نخواهد بود» (کتاب آبی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۳۱) به استناد ایران نو، پس از فتح تهران و افتتاح مجلس دوم شورای ملی نیز دولت برای رفع معضلات مالی خود پیشنهاد استقراض را داد که با مخالفت مردم مواجه شد. برای نمونه در مجلس «تلگرافی از اصفهان قرائت شد در عدم رضایت از استقراض و اینکه جهت استقراض و اعانه دولت هر قسم مجلس صلاح بداند و حاضرند» علما و تجار بوشهر تلگرافی با مضمونی مشابه به مجلس مخابره کرده بودند (روزنامه ایران نو، ۱۳۲۸، ش ۱۶۳: ۳). روزنامه ایران نو از استقراض‌ها و امتیازاتی که در ازای دریافت وام، مجبور به اعطای آن شده است به «قلاده سنگین» تشبیه نموده و آورده است: «چرا ما امروز محتاج پول هستیم که این مجبوریت ما را حس نموده، شرایطی را که نه فقط بر علیه ایران، بلکه بر علیه پلتیک ترقی‌پرور بین‌المللی دول معظمه است را بما می‌نمایاند، قلاده سنگین امتیاز استقراض را که به خودشان منحصر نموده‌اند به گردن ما انداخته‌اند» (همان، ش ۱۶۹: ۱). در تبریز نیز کمیسیونی با عنوان «کمیسیون استقراض ملی آذربایجان» خطاب‌های خطاب به مجلس را تهیه کرده و به روزنامه‌های ایران نو و شرق مخابره نمودند مبنی بر اینکه «حاضر و مهیا هستند با این همه خرابی‌ها تا یک کرور تومان سریعاً و علاوه‌تر مروراً با تأمینات [؟] و وثیقه مطمئنه معاونت به استقراض داخل بنایند» (همان: ۳).

۲-۲. رد اسکناس بانک شاهنشاهی

امتیاز انحصاری فروش توتون و تنباکو در سال ۱۸۷۲م/۱۲۸۹ق زمان ناصرالدین شاه به

بارون جولوس دورویتر^۱ داده شد. اما با مخالفت شدید مردم و علما، ناصرالدین شاه ناچار به لغو این امتیاز شد. رویترا به تلافی فسخ قرارداد از سوی ایران، برای شصت سال از ۳۰ ژانویه ۲۷/۱۸۸۹ جمادی الاول ۱۳۰۶ هـ ق امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی در ایران و حق انحصاری انتشار اسکناس را کسب کرد. «البته بانک ناشر اسکناس باید اسم مجلل‌تری داشته باشد، بنابراین اسم آن را بانک شاهنشاهی ایران گذاشتند» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۴۵۴).

برای نخستین بار به اجبار در ایران پول کاغذی رایج شد. کلیه درآمدهای دولت ایران باید در این بانک به حساب جاری ریخته می‌شد، بانک مزبور حق بهره‌برداری از منابع معدنی، از جمله نفت را در سراسر خاک ایران با اختیار بافروش این امتیازات، از دولت ایران به دست آورد. این بانک به اشخاص متفرقه وام می‌داد و سپرده و غیره قبول می‌کرد. اگرچه بانک انگلیس کارهای بانکی دولت ایران را انجام می‌داد و به ظاهر، بانکی دولتی به‌شمار می‌رفت، اما عملاً از مرکز لندن اداره می‌شد و تابع قوانین ایران نبود. این بانک شعبه‌هایی در تبریز، رشت، مشهد، یزد، اصفهان، شیراز، بوشهر و نمایندگی‌ها و شعبه‌های فرعی در نقاط دیگر ایران دایر کرد؛ سراسر مراکز مهم بازرگانی کشور از شبکه بانک انگلیس پوشیده شد و این‌گونه در ژرفای زندگی اقتصادی و سیاسی کشور ایران نفوذ کرد (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۵۹: ۳۶۲).

تا پیش از تأسیس بانک در ایران و رواج اسکناس، خدمات مالی و اعتباری توسط صرافی‌ها صورت می‌گرفت. صراف‌ها به پشتوانه اعتبار و قدرت مالی خود، برات و حواله صادر می‌کردند. صرافان از تأسیس این بانک به شدت متضرر شدند. «ضرر عمده بانک به طبقه صرافان ایران وارد آمد که تقریباً همه را از میان برد و بزرگ‌ترین آنها یعنی مؤسسه جمشیدیان ورشکست شد. ارباب پرویز شاه جهان از زرتشتیان مقیم یزد کشته شد و برادرش خسرو شاه جهان به اروپا تبعید شد و بانک شاهنشاهی یکه‌تاز میدان شد» (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴: ۷۲۵).

بر این اساس واکنش علیه مراوده با بانک شاهنشاهی از جمله استعمال اسکناس طبیعی می‌نمود. گرانوسکی با رویکرد مارکسیستی خود در توصیف وقایع و قیام منجر به مشروطه، سابقه واکنش مردمی علیه بانک‌های خارجی را از سال ۱۹۰۵ دانسته و از یک جوش همگانی در بازارهای تهران علیه بانک‌های بیگانه و انتشار اسکناس به وسیله بانک

1. Baron Julius Reuter

شاهنشاهی یاد می‌کند (گران‌توسکی و دیگران، پیشین: ۳۷۶) همچنین در کتاب آبی که حاوی گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران است، آمده صرافان تبریزی متفقاً قرار داده‌اند که اسکناس بانک شاهنشاهی را رد کرده دادوستد ننمایند. از این جهت مبلغ بسیار کمی از اسکناس‌های بانک در میان مردم رواج داشت» (کتاب آبی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۸). روزنامه حبل‌المتین نیز آورده است: «صراف‌های تبریز در منزل رؤسا و بزرگان طبقه خود اجتماع عمومی نموده و قرارداد بین خود منعقد کردند مبنی بر اینکه من بعد احدی بلیت بانک شاهی را قبول نکند، الحق هم قراردادشان خیلی محکم است و حالا ممکن نیست یک نفر از صراف‌ها کاغذ بانک را ولو به نصف قیمت هم باشد قبول کند» (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۵، ش ۳۱: ۷).

این حرکت نیز تنها در میان مسلمانان دنبال نشد و زرتشتیان یزد و کرمان در راستای حفظ استقلال مالی ایران و شاید هم مبارزه برای از دست رفتن نفوذ خود در صرافی‌ها، معامله‌های خود را با بانک کاهش دادند. چنانکه روزنامه حبل‌المتین کلکته شرح می‌دهد: «بنگ‌های اجنبی ریشه ملک و ملت را می‌کنند... لهنذا هر کس از اهالی ایران خواه مسلمان یا فارسی بعد از این همه خرابی برای یکشاهی فایده نجس طرف معامله با بنگ‌های خارجی شود و یا آنکه بخواهد دولاب راه انداخته یا برات بخرد یا بفروشد بلاشبهه عرق غیرت و عصیبت ندارد، بلکه از مسلمانی خارج است. بلی یک دفعه بریدن شاید مشکل باشد، تدریجاً باید قناعت کرد و دوری جست، چنانچه بعضی برادران زرتشتی از قراری که شنیده می‌شود در یزد و کرمان خود را از بنگ خلع کرده و به دور آن نمی‌گردند و برات و مهر به او نمی‌فروشند» (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۴، ش ۱۷: ۱۸).

۲-۳. استفاده از کالاهای ایرانی و طرد کالاهای خارجی

یکی از قابل توجه‌ترین کنش‌های مقاومت‌آمیز عمومی در حاشیه تحولات سیاسی اجتماعی دوره مورد بررسی این پژوهش، ارجحیت دادن به مصرف کالاهای ایرانی و ترغیب به استفاده آنها به‌عنوان کنشی در حاشیه مشروطه‌خواهی و اصل اساسی آن استقلال‌طلبی است. اهمیت این کنش‌ها زمانی روشن خواهد شد که به حجم واردات در این دوره به‌عنوان رویه‌ای بی‌سابقه و البته تعیین‌کننده در ایجاد عدم توازن اقتصادی نگریسته شود. بسط الگوی جدید نظام جهانی مشتمل بر رابطه مرکز - پیرامون و نیز انعقاد موافقت‌نامه‌های

تعرفه‌ای تحمیلی، صنعت داخلی را به سمت تولید فراورده‌های کشاورزی تجاری، کاهش احتمالی تولید مواد غذایی اصلی و افزایش عمومی واردات کشاند. اقلامی چون پارچه، چای، قند و شکر، فراورده‌های صنعتی چون فلزات، انواع ظروف، مهم‌ترین اقلام وارداتی این دوره بوده‌اند.^۱ «چالز عیسوی و جان فوران معتقدند که تحولات قرن نوزدهم ایران را باید استعماری و وابسته دانست و آن را در خدمت منافع عالیّه تاجران خارجی تلقی کرد و نه جامعه بومی. افزایش مصرف شکر و چای در قرن نوزدهم در واقع به معنی افزایش مصرف کالاهای استعماری بود» (آفاری، ۱۳۷۹: ۳۸). در مقابل، جامعه مدنی نوپای ایران واکنش نشان داده و بر وجود و تداوم این وضعیت هشدار دادند. از جمله اعلامیه انجمن اسلامی و نیز اقدامات علمای اصفهان در تقریر مرام‌نامه زیر قابل توجه است:

۱. استفاده از کاغذ ایرانی بدون آهار برای نوشتن قبالات و احکام شرعیه؛
۲. نخواندن نماز میت برای کسی که کفن وی غیر از کرباس یا پارچه اردستانی و یا پارچه دیگر ایرانی باشد؛
۳. پوشیدن البسه و منسوجات ایرانی [البسه غیرایرانی را حرام نمی‌دانیم، اما حتی المقدور ملبوس خود را از نسوج ایرانی می‌نماییم]؛
۴. شرکت نکردن در مهمانی‌هایی که در آن اسراف شده باشد، ولو اعیانی باشد. نباید بیشتر از یک پلو و یک چلو یک خورش و یک افشره در مهمانی باشد، به چنین مهمانی نمی‌رویم و خودمان نیز به همین روش مهمانی می‌دهیم؛
۵. ترک وافور و اهل وافور و احترام نکردن به این افراد و با خفت و توهین با آنان برخورد می‌کنیم (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۴، ش ۲: ۱۹ و ۲۰؛ نجفی، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

حرکت‌های مردمی نیز در قالب ایجاد کسب و کارهای مرتبط و نیز مباحثات به استفاده از کالاهای وطنی و تعهد مبرم بدان شکل گرفت. نمونه‌هایی از آن بدین شرح است: «شرکت اسلامی در اصفهان برای ترویج امتعه وطنی تأسیس می‌شود. شعبه‌ای نیز در عتبات باز کرده تا روحانیان را به پوشیدن البسه ایرانی تشویق کند. به طوری که زمانی نکشید که اکثر علمای درجه اول لباس‌های خود را از پارچه وطنی تهیه نمودند و سایرین را نیز به این

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود:
- همایون کاتوزیان، محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران، نشر مرکز.

کار برانگیختند» (ملکزاده، ۱۳۲۸: ۲۵۵) همچنین ارباب جمشید زرتشتی نیز تعهد نمود که خود و کارکنانش نیز از البسه وطنی استفاده کنند (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۵، ش ۳۲: ۶). انجمن‌های محلی نیز در این راستا به فعالیت می‌پردازند. برای نمونه انجمن اصفهان چند مرتبه اقدام به برگزاری نمایشگاه برای به نمایش گذاشتن تولیدات ایرانی، به‌ویژه منسوجات ساخته هنرمندان و صنعتگران اصفهانی می‌کند تا به این شکل زیبایی و کیفیت محصولات ایرانی را یادآوری کرده باشد (همان، ش ۳۹: ۳). این اقدامات تا حدی مؤثر هم واقع می‌شود، به نحوی که وزیر جنگ برای لباس تابستانی و زمستانی قشون به صنعتگران اصفهانی سفارش می‌دهد (همان، ش ۲۳: ۲).

در اصفهان، تبریز، بندر لنگه و سلماس «جمع کثیری از غم‌خواران و ترقی‌خواهان» مملکت برای استفاده از کالاهای وطنی و ایجاد کمپانی برای گسترش تولیدات وطنی هم‌قسم شده‌اند و حتی در مواردی صرف‌چای، چه در بازار و حجره و چه در قهوه‌خانه، قدغن شده است (روزنامه انجمن تبریز، ۱۳۲۴، ش ۲۴: ۴؛ ش ۱۶: ۲؛ روزنامه انجمن ملی مقدس اصفهان، ۱۳۲۶، ش ۸: ۴). در تبریز پوشیدن البسه وطنی بسیار شایع شده و همه با کمال میل این کار را انجام می‌دهند، حتی کلاه نم‌دی عوض کلاه ماهوت به سر می‌گذارند (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۵، ش ۳۱: ۷ و ۸). این اهتمام فراگیر با جبهه‌گیری عمومی در برابر استفاده از کالاهای وارداتی و کاهش استعمال کالاهای خارجی همراه بود. به‌طور مثال روزنامه انجمن مقدس اصفهان در ضمن ذکر معایب استعمال کالاهای خارجی از نطق یکی از زنان تبریز یاد می‌کند که در مجلسی برای هم‌گنان خود را چنین مخاطب ساخته که «بیچارگی و پریشانی مردان ما به جهت خواهشات [خواهش‌های] فوق‌العاده ماست، از این به بعد لباس داخلی پوشیم و از پارچه‌های خارجه صرف‌نظر کنیم و تمام بر این قرار قسم خوردند و قرآن مهر نمودند» (روزنامه انجمن ملی مقدس اصفهان، ۱۳۲۵، ش ۹: ۷ و ۶). در انزلی، آقا سید رفیع مردم را به کاهش مصرف قند در مراسم روضه سیدالشهدا فرامی‌خواند و می‌گوید هرگز آن بزرگوار راضی به این امر نیست (همان، ۱۳۲۴، ش ۲۳: ۲۱).

این واکنش‌ها در برهه‌های مختلف این دوره پررنگ‌تر شده و حتی به مرز تحریم کالاهای روسی و انگلیسی نیز رسید. از جمله در دوران فتح تهران و پس از ورود شوستر با قصد تنظیم ساختار مالی ایران، مخالفت‌های دول خارجی رنگ و بوی مداخله و حتی

اولتیماتوم به خود گرفت و به منزله تهدید و تحقیر استقلال ملی در اذهان عمومی جلوه کرد و واکنش‌های اعتراض آمیز متفاوتی را از سوی مردم به دنبال داشت. از جمله حجج اسلام طی تلگرافی از تهران، خواستار ترک معامله تجاری با روسیه و انگلستان شدند: «تجاوزات دولتی روس و انگلیس صبر عموم مسلمین را تمام کرده اکنون تمام بلاد ایران با یک هیجان ناشی از حس اسلامیت حاضر همه گونه فداکاری هستند، بزرگ‌ترین تکالیف امروز ترک امتعه و اقدام به عدم معامله و مراوده با این دو دولت جایزه است. تجار غیور باید به وکلای تجارته خودشان در خارجه تلگراف کنند، اجناس روس و انگلیس خرید و حمل نمایند. خودشان نیز اقدام به ترک امتعه آنان کنند و مراوده را با آنها ترک کنند، حتی مسلمین غیور ترک خدمت به آنها را فعلاً از تکالیف اسلامی باید بدانند. جنس به آنها در داخله نفروشد و بالاخره عموماً همه گونه مساعدت و دوستی را با اتباع و قونسل روس و انگلیس ترک کنند. و ثانیاً اتحاد و اتفاق قوای ملی لازم است» (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۹، ش ۲۵: ۱۴). روزنامه زاینده‌رود اصفهان اقدام به انتشار اطلاعیه‌ای به‌عنوان «معاهده‌نامه علمای اعلام یا ارشاد عامه در حفظ اسلام» نمود که بر طبق آن علمای اعلام داشتند: «نظر به مصالح حفظ اسلام، عموم علمای اعلام اصفهان، عازم شده‌ایم و بر خودمان فرض ذمت اسلامیت نموده‌ایم که به کلی دادوستد و معامله با شعبه استقراض بانک روس، که به اصفهان آمده است، موقوف و متروک داریم، صلاح مسلمین را هم نمی‌دانیم که با او معامله کنند. در باب استعمال قند و شکر و چای روسی هم عموم علمای اعلام ترک نموده‌اند و در سایر امتعه روسیه در موقع خود هم اعلام خواهد شد. تجار محترم اصفهان هم در این وظایف حقه اسلامیة کمال مساعدت را با علمای اعلام دارند و تلگرافات منع حمل قند و شکر و قماش روس به نقاط لازمه کرده‌اند. عموم مسلمین بدانند که مادام که قشون روسی در بلاد و سرحدات ایران هستند، با این عزم باقی هستیم. این تکلیف را که علمای اعلام و حصون اسلام جمعی از معتمدین و تجار مقرر فرمودند، مقرون به صلاح است، حقیر هم معمول داشته‌ام (روزنامه زاینده‌رود، ۱۳۲۹، ش ۱۱).

کسروی می‌نویسد: «ایرانیان از سال‌ها عادت به چایی خوردن دارند، ولی چون قند از آن روس بودی و چای نیز از خاک روس به ایران آمدی در این هنگام آن را رها کردند و به جای چراغ نفتی شمع روشن کردند. از هرچه کالای روس بود پرهیز نمودند. در تهران جوانان و شاگردان دبستان‌ها در خیابان‌ها گردیده مغازه و دکان‌ها را از خرید و فروش

کالای روسی بازمی‌داشتند و هرگاه یکی گوش نمی‌داد، شیشه‌های مغازه و دکانش را می‌شکستند. تراموای تهران که از یک شرکت بلژیکی بود مردم چون چندان جدایی میانه روسیان با دیگر اروپاییان نمی‌نهادند از آن نیز پرهیز می‌جستند و چندین روز تراموای‌ها همه تهی آمد و شد می‌کرد» (کسروی، ۱۳۸۳: ۲۴۱ و ۲۴۲).

در خلیج فارس و شیراز بر مبنای تلگرافی از جنابان حاجی آقا و شیخ‌علی و کلای فارس درخصوص ترک امتعه انگلیس و تلگراف علمای شیراز که باید به کلی ترک امتعه انگلیس و تجارت و معامله با آنها را نمایند و نگذارند مکاریان مال التجاره انگلیس را حمل کنند و کشتی‌های تجارتهای انگلیس که وارد می‌شود جداً ممانعت نمایند که قایق نزدیک کشتی‌های انگلیس برای نزول مال التجاره نرود (آرشو وزارت امور خارجه ایران، سند ۱۳۳۰-۲۸-۴-۲) «بر حسب تلگراف بوشهر به مناسبت حرکات روس از حمل و نقل امتعه روسیه بایکوت کرده‌اند. بر حسب خبری که از تهران به روزنامه طمس لندن رسیده پنجم شهر حال جوش و خروش اهالی ایران برخلاف دولت انگلیس هم شروع شده، علما در مناظر و مساجد سکوت و بی‌طرفی دولت انگلیس را مکارانه می‌فهمانند، در اصفهان و شیراز بایکوت امتعه انگلیس هم شروع شده است» (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۹، ش ۲۴: ۲۴).

زنان نیز در این میان آرام ننشستند. روزنامه جبل‌المتین در این باره نگاشته است: «زنان ایران از انقلاب کنونی خیلی در جوش و خروش آمده، عملاً کارروایی می‌نمایند. چنانچه در مجامع ملیه‌ای که تشکیل می‌یابد شرکت می‌نمایند و در کوچه و بازار و مساجد مردان را ترغیب و تحریض به فداکاری نموده برای بایکوت امتعه روس در و پنجره دکا کین را می‌شکنند. زنان ایران به انجمن زنان (حقوق طلب) لندن تلگراف نموده، استمداد خواسته‌اند» (همان).

در رشت حمالان را به زور هم نمی‌شد وادار به حمل بارهای روسی نمود. چنانچه کنسول روس در رشت یکی از حمالان را به زیر شلاق گرفت تا وی را مجبور به حمل بار و رفع تحریم نماید. کنسول اظهار داشت که «حکم امپراطور است که مشغول به کار بشوید» حمال اظهار می‌دارد که «ما مطیع فرمان امپراطور نیستیم تبعه پادشاه خود می‌باشیم» صاحب منصب روس هم حمال را هدف شلیک گلوله قرار داده و می‌کشد (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۳۰، ش ۳۹: ۶).

۳. مقاومت در برابر نقض استقلال اقتصادی ایران در مشروطه و ویژگی‌های آن

بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان گفت سلطه خارجی و بی‌کفایتی و ضعف مشروعیت نظام پادشاهی در حفظ و صیانت از استقلال کشور که خود را در بهترین شکل در معاهدات جنگی و بعدها توافق‌نامه‌های تعرفه‌ای نمایان ساخت محور اصلی اعتراض و مقاومت مردمی در ابعاد ملی محسوب می‌شود. در نتیجه رابطه ایران با نظام جهانی در مختصات سیاسی مذکور و نیز بحران‌های مالی رایج، موجب طرح سلسله حرکت‌های اقتصادی چون استقراض خارجی، تأسیس بانک شاهنشاهی و افزایش واردات شد که تنش‌ها، اعتراض‌ها و نیز ائتلاف‌ها و کنش‌های مقاومت‌آمیز را به دنبال داشت. این کنش‌ها بیش از همه در قالب طرد و رد اتکا به منابع خارجی و بازگشت به دارایی‌ها و توان ملی عینیت یافت و در اسناد عمومی چون روزنامه‌ها گزارش شد. بنابراین همچنان که هولاندر و اینوهر (۲۰۰۴) تأکید دارند، مقاومت آنان صرفاً در سطح کیفیت کنشگران یا وضعیت حضور آنان نماند، بلکه شکل کنشی فعالانه و عینی داشت.

این کنش‌ها در تضاد با وضع موجود حاکی از وضعیت بد اقتصادی، گرانی ارزاق عمده و نیز کاهش پول ملی و همچنین تحقیر اجتماعی و تهدید امنیت ملی و به‌منظور تغییر این وضعیت صورت گرفت. به همین دلیل و بر اساس مؤلفه‌های هویت ملی، موضوع استقراض خارجی خصوصاً با توجه به شروط آن، ننگ و عار دانسته شد و جمع‌آوری پول به‌منظور ایجاد بانک ملی از طرق مختلفی چون فروش دارایی‌های ارزشمند فردی مانند طلا و جواهرات زنان، کتب درسی طلاب، سرقلیان عوام و نیز حمایت علما در اعلام تأسیس بانک به‌عنوان واجب کفایی و بعدها در دوره تعطیلی مجلس در شکل تقابل با خواسته شاه و اعتراض آشکار به استقراض خارجی دنبال شد. در حقیقت مردم با پیگیری ایده روشنفکرانه تأسیس بانک ملی و رد اسکناس بانک شاهنشاهی از ایجاد نهادسازی مدرن و عقلانی حمایت کردند که ضمن حفظ استقلال و شأن فرد ایرانی، گردش مالی منظم و بوروکراتیکی را سامان داده، همگان را منتفع سازد. چنانکه دیدیم استعمال، خرید و فروش و حتی مشارکت در داد و ستد کالاهای روس و انگلیس از سوی عموم تحریم شد. از جمله باربران هم از حمل بارهای روسی سر باز زدند. اسکناس بانک شاهنشاهی از سوی تجار فارغ از قومیت و مذهبشان طرد شد. البته کنش‌های مقاومت و جوه ایجابی نیز یافت. از جمله علاوه بر تلاش عمومی برای ایجاد بانک ملی، استفاده از کالاهای وطنی چون

کاغذ، پارچه و البسه وطنی چون کلاه نمدی از سوی مردم توصیه و ترویج شد. یکی دیگر از ویژگی‌های مقاومت تلازم آن با قدرت است. فوکو در توصیف درهم‌تنیدگی قدرت و مقاومت، آن دو را ملازم یکدیگر می‌شمرد. «فوکو معتقد است که قدرت به‌عنوان یکی از شرایط اصلی اعمال و اجرای خود نیازمند مقاومت است. از طریق ظهور نقاط مقاومت است که قدرت در سراسر حوزه اجتماعی انتشار می‌یابد. اما البته مقاومت، قدرت را نیز مختل می‌کند. مقاومت هم یکی از عناصر عملکرد قدرت و هم یکی از عوامل بی‌نظمی دائمی آن است» (دریفوس، ۱۳۸۴: ۲۶۰). با آنکه قدرت گسترده و همه‌جا پراکنده است اما مطلق و همیشگی نیست، چراکه از طریق سازوکارهایی اعمال می‌شود که خود دارای حد و مرز است. این محدودیت‌ها فرصت‌هایی را به‌وجود می‌آورد که برای بروز مقاومت غنیمت شمرده می‌شود. دریفوس در ادامه می‌آورد: «اگر این گفته درست باشد که نافرمانی و نوعی مقاومت سرسختانه از جانب اصول آزادی، در قلب روابط قدرت وجود دارد و شرط همیشگی وجود آنها است، در آن صورت هیچ رابطه قدرتی فاقد وسایل احتمالی فرار از خود نخواهد بود» (همان).

بنابراین هر جا اعمال سلطه خارجی در سازوکارهای وابستگی و معاملات نابرابر روس و انگلیس با ایران تجلی می‌یابد، نوعی حس عمومی فرودستی برای ایرانیان و تعدی به استقلال ملی را به دنبال دارد. بنابراین تشخیص آن که بزرگترین تکالیف امروز ترک امتعه و اقدام به عدم معامله و مراوده با دولت روس و انگلیس است، در حقیقت نشانگر تلازم اعمال قدرت و به تبع آن مقاومت کنشگران است و از مواضعی پرده برمی‌دارد که عاملان با درک قدرت سیال اما قاهره، سعی در رد تابعیت و فراتر از آن به چالش کشیدن قدرت دارند. خطابه‌های مختلف عوام در جهت غیرت‌خواهی و نیز اقدام به حرکت‌های خشونت‌باری چون شکستن شیشه دکان‌هایی که از خرید و فروش کالاهای روسی دست برنمی‌داشتند، از جمله اوج تنش میان اعمال قدرت ناپیدا از پیش موجود و مقاومت مشهود و علنی است. البته بروز خشونت به استناد اسناد در سطوح مختلفی رخ داده است. از جمله در دو برگ سند از آرشیو وزارت خارجه ایران که متعلق به ۱۸ شوال ۱۳۲۵ و ۱۷ ذیقعد ۱۳۲۵ است، در باب مخالفت با استعمال کالاهای خارجی در اصفهان شرح می‌دهد که «بانیان این حرکت در اصفهان یعنی حاج آقا نورالله بر اساس صرفه شخصی مردم را به این امر ترغیب می‌کند، اجناس خارجه را نجس عنوان می‌کند. در این میان به کسانی که با

تجار خارجی در ارتباط هستند، بد می گویند و این مسئله به اعتبار تجار لطمه می زند و نمی توانند طلب های خود را وصول کنند، در نتیجه قادر به پرداخت بدهی های خود به تجار خارجه نمی شوند. حاج آقانور الله به آنان چهار ماه مهلت داده تا محاسبات خود را با خارجه قطع نمایند. در مجموع این اقدامات باعث پروتست قونسول جنرال روس به شاهزاده حکمران اصفهان شده است (آرشیو اسناد وزارت خارجه ایران، سند -GH1325-K2-P11-41 و -GH1325-K2-P11-53). ثقة الاسلام در پاسخ به تظلم تجار خارجه از این که علما حکم به حرمت منسوجات ما داده اند، فرمود که [کالاهاى خارجی را] حرام نکرده بودیم محول به غیرت اسلامی اهالی نموده بودیم (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۵، ش ۱: ۳). پیرو این امر، کمپانی زیگلر^۱ در اصفهان پرتست می نماید و عاملین کمپانی دیکسن^۲ مقیم اصفهان نیز راپورت دادند که از ترس آقایان [مخالفان تجارت با خارجه] نمی توانند روز را مشغول کسب باشند.... شارژ دافر^۳ انگلیس این وقایع را از طریق وزیر امور خارجه ایران به کابینه منتقل می کند و گویا قرار بر این می شود که اگر آقا نورالله در مداخله امور تجارت خارجه مداومت نماید او را از اصفهان حرکت دهند (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۲۶ و ۱۲۷).

این نوع بیان مقاومت گاه خود به تشدید اعمال قدرت منجر می شود و خشونت مضاعفی را به دنبال دارد. از جمله این روایت قابل تأمل است: «حاجی محمدرضا کاشانی که بزرگ ترین فروشنده قند روسی بود، تحت تأثیر حس وطن پرستی در انبارهای قند خود را بست و معامله قند روسی را حرام کرد، روس ها از این عمل حاجی مذکور که طرف معامله با او بودند و نفع بسیاری از طرفش می بردند خشمگین شدند و چند نفر را در پاسی از شب گذشته فرستادند حاجی را به قتل برسانند ولی به او دست نیافتند. نزدیک غروب غلامعلی نام که یکی از همان مأمورین بود نزدیک سبزه میدان حاجی رضا را به دست آورد و با چند گلوله او را به سختی مجروح نمود» (ملکزاده، ۱۳۲۹: ۱۴۱).

از جمله سایر ویژگی های مقاومت، توجه به زندگی روزمره به عنوان ظرف رخداده کشمکش میان قدرت و مقاومت است. این ویژگی نیز ناشی از تأکید فوکو بر زندگی روزمره به عنوان متنی آکنده از قدرت و به طور همزمان مقاومت است. قدرت همه جایی

-
1. Ziggler
 2. Dixon
 3. Charge d'affaires (کاردار سفارت)

فرصت و امکان بیشتری برای اعمال دارد. در نتیجه هر فضایی به‌عنوان محلی برای ستیزه‌گری میان صاحب قدرت و فاقد آن می‌تواند مورد بررسی جامعه‌شناختی قرار گیرد. دریفوس با تنویر مسیر تحلیل در اینجا به کمک ما می‌آید: «برای فهم قدرت در فعلیت آن و عملکرد روزمره‌اش باید به سطح کردارهای خرد یعنی به سطح آن فناوری‌های سیاسی برویم که کردارهای ما در درون آن شکل می‌گیرد» (دریفوس، ۱۳۸۴: ۳۱۲). این کردارهای خرد در حوزه عمومی بر حسب اسناد موجود قابل بررسی است. طرد استفاده از کالاهای خارجی از جمله قند، چای و پارچه از جمله این موارد است. گزاره‌هایی چون نخواندن نماز میت برای کسی که کفن وی غیر از کرباس یا پارچه ایرانی باشد، قدغن شدن مصرف چای در بازار و حجره و قهوه‌خانه، استفاده از کلاه نم‌دی به جای کلاه ماهوت، یا شمع به جای چراغ نفتی و نیز ترک کاربرد تراموا از جمله مواردی است که نشان می‌دهد کنشگر ایرانی از بافت زندگی روزمره به‌عنوان عرصه بیان اعتراض و مقاومت سود جسته است. این‌گونه مقاومت تنها به تشکیل انجمن و اجتماعات منوط نشده و فراتر از آن در قالب اشکال روزمره مداومت یافته است.

اصل مشترک دیگر در بین رویکردهای مطرح مقاومت، خلاقیت است. بوردیو با تأکید بر زمان به این نکته اشاره کرده است. استراتژی‌پردازی نیازمند بازی در لحظه است. او استراتژیست‌ها را دور از الگوهای هنجاری عمل تحلیل می‌کند و با کاربرد تعبیری چون بداهه‌سرایانی استراتژیک به خلاقیتی اشاره دارد که در زمان شکل می‌گیرد (Stwartz, 1997). گیدنز (۱۳۸۲) سیاست زندگی را به‌عنوان سیاستی خودشکوفا در میدان قدرتی زاینده تعریف می‌کند که با انتخاب شکل می‌گیرد؛ انتخابی که برای رهایی از ثبات سنت و قدرت دولت صورت می‌گیرد. دوسرتو (۱۹۹۸) محور تحلیل خود را از مصرف به‌عنوان تولیدی دیگر بر خلاقیت بنا نهاده است. فیسک (۱۹۹۴) بر تولید خلاقانه معنا تأکید دارد. اسکات (۲۰۰۲) با آنکه از یک سری الگوهای کنش مقاومت‌آمیز سخن می‌گوید، اما به خاطر توجه به تنوع اشکال مقاومت در تعامل با اشکال کنترل کار و باور کنشگران به‌صورت‌های احتمالی تلافی در صورت مقاومت، به خلاقیت نیز توجه دارد. کلی (۲۰۰۲) در مطالعه مک دونالد به خوبی از مصادیق خلاقانه مقاومت سخن می‌گوید. مثال‌های او آکنده از زایایی کنشگران در چارچوب فرصت‌ها و محدودیت‌های محل کارشان است. بیات (۱۳۷۹) به صراحت به فعالیت‌های خودزاینده‌ای اشاره دارد که بنا به ضرورت بقا

شکل می‌گیرد و از این رو فرصت‌های متفاوت در زمانی می‌یابد.

بداهه‌سرای استراتژیک کنشگران در اینجا هم در صورت‌های فردی از جمله فروش انواع کالاهای ارزشمند در جهت تأسیس بانک ملی و هم در اشکال جمعی چون هم‌قسم شدن برای استفاده از کالاهای وطنی و طرد کالای خارجی، برگزاری نمایشگاه منسوجات اصفهانی، طرح موضوع اختصاص هزینه جشن نوروز به دولت برای جبران کسری مالی بروز یافت!

مؤلفه مشترک دیگر، زمان است. کنش استراتژیک بدون درک محل تلاقی زمانی دو سویه متضاد، بی‌معنا است. کنشگران با برآورد منابع خود و طرف مقابل (واجد قدرت) در کمترین زمان ممکن به کنش استراتژیک شکل می‌دهند. این فرصت‌های زمانی، آنقدر ارزشمند است که کنشگران مترصد آن هستند. کاربرد کلمه مترصد علاوه بر ارزشمندی، نشانگر کمین به قصد بهره‌برداری نیز هست، پس به نوعی هم دلالت بر عدم انفعال کنشگران دارد. بر این اساس درک معنای عمل بدون توجه به زمان رخداد آن ممکن نیست؛ بازتعریف زمان، توصیه بوردیو برای درک معنای عمل است.

اقدام علما در تهیه لباس از پارچه وطنی پس از تأسیس شرکت اسلامی و ایجاد شعبه در عتبات، سفارش لباس قشون به صنعتگران اصفهانی، جمع‌آوری پول در رد استقراض خارجی از سوی تجار و مردم عادی پس از آگاهی از شرایط وام، از جمله مواردی است که آشکارا نشان می‌دهد کنشگر ایرانی مواضع اعمال قدرت در زمان تحقق را درک کرده و به موقع مقاومت نشان داده است. در روزنامه خیرالکلام رشت در شماره ۳۳ به تاریخ ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۸ درباره استقراض خارجی آمده: «ما نمی‌گوییم قرض کردن عیب است، چراکه اغلب دول مقروض‌اند و نمی‌گوییم پنج کرور قرض زیاد است، زیرا دولت روس ۱۲ میلیارد قرض دارد. همین قدر اشاره می‌کنیم به اینکه در این موقع باریک که حریفان طماع، خیره به ایران می‌نگرند، قرض کردن از بیگانه در حکم فاتحه خواندن به استقلال مملکت است» (فخرایی، ۱۳۵۲: ۱۸۸).

همچنین در ماجرای رد اسکناس بانک شاهنشاهی کنشگران بلافاصله بر حسب قواعد

۱. اذعان برخی به عدم پایداری این کنش‌ها را نمی‌توان ردی بر اصالت و خلاقیت کنشگران در زمان بروز کنش دانست از جمله عین السلطنه این کنش‌ها را یک اقدام ماندگار و بنیادی ندانسته و آورده که «بعد از انفصال مجلس به کلی آن حرف‌ها از میان رفت یعنی تحریم امتعه، سوار نشدن واگن، خوردن چای با کشمش، نبوشیدن گالوش، نبستن فوکول الی آخر» (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۶۱۸).

میدان و بنا به عادتواره خود در تبعیت از دستورات دینی، به‌عنوان عاملینی استراتژیک عمل کردند. از جمله در ماجرای تحریم اسکناس شاهنشاهی اسکناس‌های بانک بریتانیا در برخی شهرها نجس اعلام شد. لذا به‌طور مثال از شیراز گزارش شده «در معاملات مردم اسکناس قبول نمی‌کردند و در تمام شهرستان‌ها هزارها نفر که دارای اندوخته اسکناس بودند به شعبات بانک انگلیس مراجعه کرده، تقاضای تبدیل اسکناس به پول مسکوک را داشتند. و از این راه مشکلی برای بانک شاهنشاهی که در حقیقت بانک انگلیس بود فراهم کردند» (ملکزاده، ۱۳۲۹، ج ۷: ۱۰۰).

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با به رسمیت شناختن عمل کنشگران ایرانی در چارچوب مباحث نظری مقاومت تلاش داشت تا مصادیقی از مقاومت را به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی ارائه دهد. این امر مستلزم طرح ویژگی‌های مقاومت و استخراج داده‌های تاریخی مستند و ناظر بدان‌ها به طریقی روشمند بوده است. بنابراین با طرح آرا و اندیشه‌های مطرح جامعه‌شناسی، تحلیلی از جریان‌ات مشروطه به‌دست داده و در نهایت ضمن اعتباربخشی به مفهوم مقاومت به‌عنوان ابزاری تحلیلی، از رهگذر کاربرد گزاره‌های تاریخی، نمایی از تغییرات اجتماعی این دوره به‌دست می‌دهد.

کنش‌های مقاومت‌آمیز مردم با درک تهدیدات کشورهای خارجی، به‌ویژه دول روس و انگلیس و مبتنی بر هویت ملی در سه مقوله بروز و نمود یافت: ۱. رد استقراض خارجی که تنها به طرد و نکوهش استقراض بسنده نکرد و در قالب شور و کنش جمعی به بسیج برای ایجاد بانک ملی انجامید، ۲. رد اسکناس بانک شاهنشاهی به مثابه مقابله با سازمان مالی بوروکراتیکی که شبکه‌سازی دولت انگلیس و نفوذ در میان ایرانیان را به‌عنوان کارکرد پنهان خود دنبال می‌کرد و ۳. استعمال کالاهای وطنی در واکنش به امواج وارداتی کالاهای مصرفی.

از نظر نویسندگان، نکاتی چند از مهم‌ترین ویژگی‌های این تغییرات اجتماعی بوده و به‌عنوان محورهایی برجسته در تعیین شاکله‌های جامعه آتی ایران نقش بازی کرده‌اند: نخست درک عمومی ماهیت سیال قدرت؛ همان‌طور که به تفصیل بحث شد کنشگران ایرانی به درک ابعاد قدرت جاری در زندگی روزمره و نیز ارتباط آن در یک سیستم یکپارچه ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی نائل شدند. هرچند در دوره‌های مختلف تاریخی

تقابل دولت، ملت امری عیان بود اما در این دوره به مدد ایجاد اجتماعات، آگاهی رسانی عمومی، نقش سنتی علما از یک سو، تلاقی اعمال قدرت خارجی با استبداد و بی کفایتی دولت و نیز اشاعه بیش از پیش مصرف و تمسک به کالاهای وارداتی، تصویری ژانوسی از قدرت نمایان شد، آن را در شکلی به هم تنیده و پیچیده در پیش چشم ملت نهاد و آنان را به درک مواضع ملی واقف ساخت: «دولت که امتیاز داده نمی تواند بگوید تو کاغذهای خود را جمع کن ولی ملت می تواند اتفاق عمومی نموده و رواج آن را منسوخ نماید و کسی هم حق ندارد به ملت متعرض شود که تو چرا بلیط بنگ را عوض سکه دولت نمی پذیری. این گونه کارها مال ملت است. ملت باید باین دردها علاج نماید» (روزنامه جبل‌المتین کلکته، ۱۳۲۵، ش ۳۱: ۷).

دوم گردهمایی‌ها و اجتماعات شکلی منسجم و ضابطه‌مند به خود گرفت و نهادسازی مدنی در قالب انجمن‌ها بروز یافت. فوران می نویسد: «انجمن در ایران آن زمان به سه معنی به کار می رفت: ۱. جوامع مخفی قبل از انقلاب که هدفشان بحث درباره مسائل سیاسی و اجتماعی ایران بود، ۲. انجمن‌های شهری و ایالتی که به موجب قانون اساسی ۱۲۸۵/م ۱۹۰۶ ش مشروطیت برپا شد تا بر امور محلی نظارت داشته باشند و ۳. مجامع غیررسمی که با ستمگری‌ها و مقاصد سیاسی گوناگون در گوشه کنار مملکت برپا می شد (فوران، ۱۳۸۸: ۲۸۵).

رد پای نهادهای مردمی در مقوله‌های سه گانه مقاومت علیه نقض استقلال اقتصادی به چشم می خورد. از جمله کسروی در خصوص طرد استعمال کالاهای خارجی می نویسد: «از آن سوی برخی از پیش‌نمازان که پس از مجتهدان در پایگاه دوم ملایی شمرده شدند، از بی پروایی محمدعلی میرزا و نزدیکان او بدین و شریعت و از پول‌اندوزی و آزمندی مجتهدان بزرگ، و از چیرگی مسیحیان، و اروپاییان در کشور، آزرده شده و اندکی بیدار شده بودند. اینان نیز به پیروی از علمای تهران و دیگر جاها به تکان آمده و چند تنی باهم آشنا شده و دسته‌ای شده بودند، و در سال ۱۲۸۵ (۱۳۲۴) یا اندکی پیش از آن بود که اینان هم‌نشستی به نام «انجمن اسلامی» برپا کردند، که به نام روضه‌خوانی و کوشش به رواج کالاهای ایرانی و جلوگیری از فزونی کالاهای بیگانه باهم نشستند و به گفتگو پرداختند. ما از اینان نام‌های حاجی میرزا ابوالحسن چایکناری، شیخ اسمعیل هشرودی، شیخ سلیم، میرزا جواد ناصح‌زاده، و میرزا حسین واعظ را میشناسیم.... در تهران

دو سید و همدستان ایشان در نشست‌های خود چایی ندادندی و مردم را به خریدن و به کاربردن کالاهای ایرانی واداشتندی. در این باره کوشش‌هایی از ملایان اسپهان و دیگر جاها نیز می‌رفت و از علمای نجف نوشته‌ها می‌رسید» (کسروی، ۱۳۸۳: ۱۵۱ و ۱۵۲).

رد استقراض خارجی نیز محور کنش جمعی انجمن‌های محلی شد، به طوری که در یادداشت مستر چرچیل در مورد جلسات مجلس شورای ملی از نهم نوامبر تا دویم دسامبر ۱۹۰۷ / ۲ تا ۲۵ شوال ۱۳۲۵ آمده که «انجمن‌های مختلطه متحداً روز ۱۹ نوامبر عریضه‌ای به مجلس معروض داشته... مستدعی شدند که به شاهزادگان و اعیانی که هریک تعهد کرده بودند مبلغ معینی به بانک ملی اعانه بدهند فشار وارد آید که آن را نقد بپردازند» (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۳۰). انجمن ایالتی گیلان به استقراض خارجی واکنش نشان داد. همچنین به گواهی تاریخ، شاهد اقدام فوری انجمن تبریز علیه استقراض محمدعلی شاه در شکل ارسال تلگرافی به پارلمان‌های اروپا با مضمون مخالفت ملت ایران با این امر هستیم (نوابی، ۲۵۳۵: ۸۹). در همین راستا شریف کاشانی آورده: «به فاصله چند روزی، از تمام بلاد به تمام سفارتخانه‌ها، و از حجج اسلام نجف اشرف به تمام دنیا و از انجمن‌های ولایتی به قونسولات پرتست شد: اگر چنین فرصتی به دولت داده شود، ملت ذمه‌دار نخواهد بود و به موجب قانون اساسی، قرض جدید موقوف به امضای پارلمان است. و تا مجلس شورای ملی منعقد نشود، امکان ندارد که بگذاریم و حاضر شویم که دولت چنین قرضی بکند و اگر کرد، دولتی اقدام به این امر نمود که بدانید ماها ذمه‌دار نخواهیم بود و ملت از تأدیه آن بری می‌باشند» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۱۷).

منظور از طرح این ویژگی تنها شرکت در گردهمایی‌ها و حرکت‌های جمعی از جمله بست نشینی تجار تهرانی در حرم شاه عبدالعظیم علیه تعرفه‌های جدید گمرکی نیست، بلکه فضای تعامل و رسیدن به اصول و قواعد اجتماعی حاصل از رایزنی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ انجمن‌هایی که به منزله حلقه‌های نهادمند تعامل بین‌الذهانی در جامعه معاصر ایران تشکیل شده و از ابزارهای ارتباطی چون تلگراف و مطبوعات کمک گرفتند تا به بسط هر چه بیشتر جامعه مدنی منجر شوند. برای نمونه در جبل‌المتین می‌خوانیم که صراف‌های تبریز در منزل روسا و بزرگان طبقه خود اجتماع عمومی نموده و قرارداد بین خود منعقد کردند مبنی بر اینکه من بعد احدی بلیت بانک شاهی را قبول نکند، الحق هم قراردادشان خیلی محکم است و حالا ممکن نیست یک نفر از صراف‌ها کاغذ بانک را ولو به نصف

قیمت هم باشد قبول کند (روزنامه حبل المتین کلکته، ۱۳۲۵، ش ۳۱: ۷).

سوم مطبوعات که در مجموع در تنویر عمومی و آشکار ساختن ابعاد نقض استقلال اقتصادی ایران نقش مهمی داشتند. می توان گفت مطالب آنان در توصیف شرایط از جمله وخامت اقتصادی، معرفی مفاد توافقنامه پرداخت وام و نیز انعکاس واکنش های مردمی به آنها بسیار مؤثر افتاد. هرچند فضای عمومی مطبوعات نیز ذیل سیطره فضای استبدادی خصوصا در دوران استبداد دچار التهاب شد، اما همچنان افتان و خیزان به عنوان شاهره جامعه مدنی نقش بسزایی ایفا کردند!

در مجموع باید گفت: هرچند مشروطه به عنوان نهضتی ملی، مخالفان و حامیان خود را داشت، اما وجود آن از آغاز به مثابه تهدید منافع دولت های قدرتمند بین المللی و حتی دولت های همسایه محسوب شد. به ویژه آنکه مناسبات جدید ایران در چارچوب نظام جهانی، شرایطی را بر ایران تحمیل کرد که بیش از پیش موجب استضعاف آن شد و در نهایت استقلال اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ایران را مورد تهدید قرار داد. در این شرایط مقاومت ملی برآیند حضور عوام و نیز خواصی چون روشنفکران، تجار و علما بود. تجار هم در نهاد پارلمان نقش خود را ایفا کردند و هم با اعتراض های مدنی و جمعی، کنش های مقاومت آمیز خود را سامان دادند. علما، به ویژه نهاد روحانیت نجف، با تلقی استقلال ملی به مثابه حفظ کیان اسلام و مسلمین با فتوای خود به موقع از حرکت های عمومی حمایت کردند. همچنین در این دوره نهادهای مدنی جدید از جمله انجمن ها و نیز کانال های ارتباطی مدرن چون روزنامه ها و تلگراف زمینه ساز اشکال خاص بروز مقاومت شد. شیوه های تازه بیان اعتراض همچون اعتصاب عمومی، اجتماعات و تظاهرات مردم، بست نشینی و نیز اعتراض دیپلماتیک در قالب ارسال لایحه به دادگاه لاهه به مثابه کنش های مقاومت آمیزی بروز یافت که در نوع خود کم سابقه و بلکه بی سابقه بود و باعث شد تا در عرصه ملی، بسیج نیروها تسهیل و نیز تظلم خواهی ایرانیان بروزی فراملی یابد.

۱. برای مطالعه بیشتر درباره این افت و خیزها در قالب رابطه توزیع قدرت سیاسی، حیات جامعه مدنی، فرهنگ سیاسی مشارکت پذیر یا رقابت گرا، نهادها یا قوانین کارآمد حقوقی توسعه یافته تر از یک سو و از سوی دیگر ساخت مطبوعات با شاخصه هایی چون تیراژ، محل نشر، نوع، گرایش نشریه، دوره انتشار و علل توقف نگاه کنید به مقاله ارزشمند ساختار مشروطه و نسبت آن با ساخت مطبوعات، هادی خانیکی، تاریخ معاصر، ۱۳۷۸، شماره ۱۰.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۸۱). پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای ملی، تهران: کتاب سیامک.
۲. آفاری، ژانت (۱۳۷۹). انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱ (۱۲۸۵-۱۲۹۰)، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
۳. آوری، پیتر (۱۳۶۳). تاریخ معاصر ایران (از تأسیس تا انقراض قاجاریه)، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
۴. بنکداریان، منصور (۱۳۹۲). بریتانیا و انقلاب مشروطه ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۶): سیاست خارجی، امپریالیسم و اپوزیسیون، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نامک.
۵. دریفوس، هیوبرت و پل رابینو (۱۳۷۶). میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
۶. دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی، تهران: عطار.
۷. روزنامه انجمن تبریز (۱۳۷۴). جلد اول سال اول شماره ۱-۱۴۹ سال دوم شماره ۱-۱۴، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
۸. روزنامه انجمن تبریز (۱۳۷۶). جلد دوم سال دوم، دوره اول شماره ۳۲-۱۵، دوره دوم شماره ۳۲-۱، سال سوم شماره ۳۶-۱، تهران: کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
۹. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان (۱۳۸۵). دوره اول از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ه. ق، به اهتمام محمد علی چلونگر، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۱۰. روزنامه ایران‌نو، کتابخانه و اسناد رقمی (دیجیتال) سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. روزنامه جبل‌المتین کلکته، سال ۱۴-۲۲، «لوح مطبوعات فارسی ایران» تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۲. روزنامه زاینده رود، کتابخانه و اسناد رقمی (دیجیتال) سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. روزنامه صور اسرافیل، کتابخانه و اسناد رقمی (دیجیتال) سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. روزنامه مجلس، سال ۵-۱، «لوح مطبوعات فارسی ایران» تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۵. شریف کاشانی، محمدمهدی (۱۳۶۲). واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
۱۶. شمیم، علی اصغر (۱۳۸۷). ایران در دوره سلطنت قاجاریه، تهران: انتشارات بهزاد.
۱۷. عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

۱۸. فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۲). گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۱۹. فوران، جان (۱۳۸۸). مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۰. کاتم، ریچارد (۱۳۷۱). ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: صدف.
۲۱. کتاب آبی (۱۳۶۲). به کوشش احمد بشیری، تهران، نشر نو.
۲۲. کتاب نارنجی (۱۳۶۸). ترجمه پروین منزوی، تهران: کتاب پرواز.
۲۳. کسروی، احمد (۱۳۸۳). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
۲۴. گراتوسکی، ا. آ و دیگران (۱۳۵۹). تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: انتشارات پویش.
۲۵. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۴). چهل سال تاریخ ایران، به تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.
۲۶. مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد ۱۳۳۰، کارتن ۲۸، پرونده ۴.
۲۷. مروارید، یونس (۱۳۷۷). از مشروطه تا جمهوری (نگاهی به ادوار مجلس قانونگذاری در دوران مشروطیت)، تهران: اوحدی.
۲۸. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). شرح زندگانی من، تهران: زوار.
۲۹. ملکزاده، مهدی (۱۳۲۸). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۱، تصحیح م. ع فره‌وشی، تهران: کتابخانه سقراط.
۳۰. ملکزاده، مهدی (۱۳۲۹). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۲، تصحیح مرتضی پارسا، تهران: کتابخانه سقراط.
۳۱. نجفی، موسی (۱۳۷۸). اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳۲. نوایی، عبدالحسین (۲۵۳۵). دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتم، تهران: بابک.

ب) منابع لاتین

1. Carr, C. Lynn (1998). 'Tomboy Resistance and Conformity: Agency in Social Psychological gender Theory', Gender & Society, No. 12: 528-553 .
2. Modigliani, Andre & Francois Rochat (1995). 'The Role of Interaction Sequences and Timing of Resistance in shaping obedience and Defiance to Authority', Journal of Social Issues No. 51: 107-123 .
3. Profit, Norma Jean (1996). 'Battered Women as victims and Survivors: Creating space for Resistance', Candian Social Work Review/Revue Canadienne De Service Socia l, No. 13: 23-28 .
4. Swartz, David (1997). Culture & Power, University of Chicago press Ltd, London .